info@payamdaily.com

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۲۸۳۸
چهارشنبه / ۲۶ شهریور / ۱۴۰۴
۲۲ / ربیع الاول / ۱۴۴۷
17 / September / 2025

صاحب امتیاز: موسسه همگانساز اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: یاهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۴۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۴۳-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

نکته

ترند جدیدی که نسل Z رونمایی کرد

Bed Rotting را نمی‌توان فقط یک ترند بی‌ضرر یا یک آسیب جدی دانست این رفتار در مرز میان این دو قرار دارد در کوتاه‌مدت می‌تواند قرصتی برای بازسازی ذهن و انرژی باشد اما اگر به عادت روزمره تبدیل شود، نشانه‌ای از مشکلات عمیق‌تر در سلامت روان و شکاف‌های اجتماعی است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از تیبان، حتما شده صبح زود وقتی از خواب بیدار میشی هیچ انرژی برای بلند شدن از تخت نداشته باشی؟ نه مریض شدی، نه شب دیر خوابیدی؛ اما این خستگی واقعی رو حس می‌کنی و فقط دلت می‌خواد همون جا بمونی، گوشی دستت بگیری و بی‌هدف اسکرول کنی؟

جوقائی که سالهاست روی تخت می‌مانند و فقط و فقط دیدیوهای شبکه‌های اجتماعی مثل اینستاگرام و تیک‌تاک را تماشا می‌کنند. در نگاه اول ممکن است به نظر برسد که این تنها کمی استراحت است اما وقتی سالهاست ادامه پیدا می‌کند، این سؤال مطرح می‌شود: «آیا این عادت تازه به سلامت کمک می‌کند یا هشدار جدی برای ذهن و بدن ما است؟»

بعدروان‌شناختی

روان‌شناسان می‌گویند این رفتار دو جنبه دارد از یک طرف، مدتی در تخت می‌تواند مثل استراحت کوتاه و مراقبت از خود باشد؛ قرصتی برای قاصله گرفتن از هیاهوی بیرون، شارژ دوباره انرژی و کمی قاصله گرفتن از تنش‌های مدرسه. کار با شبکه‌های اجتماعی؛ اما تحقیقات اخیر در **Psychology Today** و **Scientific American** نشان می‌دهد که اگر این کار طولانی شود، می‌تواند باعث افزایش نشانه‌های افسردگی، اضطراب و مشکلات خواب شود.

تخت که قرار است جایی برای استراحت و آرامش باشد، گاهی تبدیل به «پناهگاه بی‌حرکتی» می‌شود. وقتی ساعت‌ها روی تخت می‌مانید، انگیزه‌ام‌تحم کارها و تماس‌ها کم‌کم کم‌می‌شود. گوشی تنها راه ارتباط با دنیا باقی می‌ماند؛ اما حجم بی‌پایان محتوا و مقایسه‌های اجتماعی ذهن را خسته و مضطرب می‌کند.

مطالعات **Nature Scientific Reports** هم نشان می‌دهد هر چه زمان بی‌حرکتی طولانی‌تر باشد، وابستگی به شبکه‌های اجتماعی و نشانه‌های افسردگی بزرگتر می‌شود. یعنی یک چرخه معیوب شکل می‌گیرد: هر چه بیشتر روی تخت بمانید، انگیزه حرکت کمتر و وابستگی دیجیتال بیشتر می‌شود.

این رفتار یک هشدار است، اما در عین حال می‌تواند قرصتی برای بازسازی ذهن و بدن باشد. اگر محدود و آگاهانه انجام شود، مرکب این دو جنبه ما کمک می‌کند بفهمیم چگونه می‌توان بین استراحت کوتاه و اتلاف در چرخه‌ی بی‌تحرکی تعادل برقرار کرد.

بعدجامعه‌شناختی

از نگاه جامعه‌شناسی، **Bed Rotting** می‌تواند واکنشی از نسل Z به تنش‌های زندگی باشد. نسلی که در دوران بحران‌های پی‌درپی مثل پاندمی کرونا، مشکلات اقتصادی، بی‌ثباتی شغلی و تمرکز شبکه‌های اجتماعی بزرگ شده است. در این شرایط، تخت دیگر فقط محل خواب نیست، بلکه به یک پناهگاه کوتاه‌مدت برای فرار از شلوغی و تنش‌های بیرونی تبدیل می‌شود. جایی که رقابت و انتظارات موقتاً عقب می‌روند. با این حال، این رفتار پیامدهای اجتماعی هم دارد. وقتی اتاق و تخت تبدیل به جایی برای تولید و مصرف محتوا می‌شوند، معنای «فضای خصوصی» تغییر می‌کند. حتی وقتی کسی تنها است و فکر می‌کند آرام است، اسکرول کردن و دیدن ویدیوها او را به بخشی از قضای دیجیتال و شبکه‌ای تبدیل می‌کند. به بیان ساده، تخت و اتاق دیگر فقط محل آرامش شخصی نیست. بلکه بخشی از زندگی اجتماعی دیجیتال هم شده است. جامعه‌شناسان این رفتار را نشانه‌ای از قرسودگی اجتماعی می‌دانند؛ نسلی که راهی برای اعتراض یا تغییر پیدا نمی‌کند و به جای عمل جمعی، به سکون و انزوا پناه می‌برد.

چرا Bed Rotting روی بدن و ذهن اثر می‌گذارد؟

وقتی ساعت‌های زیاد تخت می‌مانید و از گوشی استفاده می‌کنید، بدن و ذهن شما تحت تأثیر قرار می‌گیرند. بی‌تحرکی طولانی خطر لخته‌ها به بیماری‌هایی مثل دیابت، چاقی، مشکلات قلبی و تنظم خون بالا را افزایش می‌دهد. عضلات و استخوان‌ها وقتی تحرک کافی نداشته باشند، قدرت و تراکم‌شان کاهش می‌یابد و ممکن است درد مزمن ایجاد شود. نشستن طولانی و مصرف زیاد انرژی کمتر باعث اضافه‌وزن و مشکلات متابولیک می‌شود. مثل مقاومت به انسولین یا بیماری کبد چرب.

استفاده طولانی از گوشی در تخت هم می‌تواند گردن، شانه و کمر را خسته کند و دردهای اسکلتی عضلانی ایجاد کند.

علاوه بر این، استرس مزمن، کم‌تحرکی و خواب ناقص توان دفاعی بدن را کاهش می‌دهند و باعث افزایش التهابات می‌شوند.

نور صفحه نمایش هم می‌تواند تولید ملاتونین را مختل کند و خواب شما را بی‌کیفیت کند که خود مشکلات روانی و جسمی را تشدید می‌کند.

جلوگیری از اثرات منفی

با این حال، می‌توان این وضعیت را مدیریت کرد و حتی از آن برای استراحت سالم استفاده کرد. مدلی ۲۰ تا ۳۰ دقیقه‌روی تخت می‌تواند به عنوان یک استراحت کوتاه مفید باشد، بدون اینکه به بی‌تحرکی طولانی تبدیل شود. به جای اسکرول بی‌پایان، می‌توان وقت را به مدیتیشن، گوش دادن به موسیقی، خواندن چند صفحه کتاب یا نوشتن یادداشت روزانه اختصاص داد. انجام پیاده‌روی کوتاه یا چند دقیقه کشش عضلانی هم می‌تواند استرس را کم کرده و جایگزین سالمی برای بی‌تحرکی کامل باشد.

مدیریت رسانه‌ها و تعاملات اجتماعی

مدیریت مصرف رسانه‌ای اهمیت زیادی دارد. خاموش کردن اعلان‌ها، محدود کردن زمان حضور در شبکه‌های اجتماعی و انتخاب محتوای هدفمند می‌تواند از تمام مقابله‌های اجتماعی که کند حتی لحظات کوتاه معاشرت، به جای شکل آنلاین، می‌تواند حس تعلق و حمایت اجتماعی را برگرداند و جلوی تنها شدن را بگیرد به این ترتیب **Bed Rotting** می‌تواند هم قرصتی برای بازسازی ذهن و بدن باشد و هم اگر بدون کنترل ادامه یابد به مشکلات روانی و جسمی منجر شود. کلید کار در تعادل و آگاهی از زمان و نحوه استفاده است.

آخرین سنگر خاموشی

Bed Rotting را نمی‌توان فقط یک ترند بی‌ضرر یا یک آسیب جدی دانست این رفتار در مرز میان این دو قرار دارد در کوتاه‌مدت می‌تواند قرصتی برای بازسازی ذهن و انرژی باشد اما اگر به عادت روزمره تبدیل شود، نشانه‌ای از مشکلات عمیق‌تر در سلامت روان و شکاف‌های اجتماعی است. این پدیده آینه‌ای است از زندگی نسل Z، نسلی که بین نیاز به استراحت و قشارهای بی‌پایان اجتماعی، بین سکوت و هجوم محتوای دیجیتال سرگردان است. پرسش مهم این است: آیا جامعه و نهادهای روانی می‌توانند محیطی سالمتر برای استراحت و حمایت از جوانان فراهم کنند، یا تخت‌ها همچنان آخرین سنگر خاموشی خواهند بود؟

امروز با حافظ

دستخوش جفا مَکُن، آب رُخَم که فیض ابر
بی‌مدد سرشک من، دُر عَدَن نمی‌کند
کُشته غمزه تو شد، حافظ ناشنیده پند
تیغ سزاست هر که را، دَرد، سخن نمی‌کند

صد هزاران محو در اثبات هست
صد هزار اثبات در محو ای عجب
عطار

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۴:۲۶	۰۵:۵۰	۱۲:۰۰	۱۸:۰۸	۱۸:۲۷

برگه

زندگی یک معجزه است، پس هر روز به عنوان یک هدیه زندگی کن...

لئوناردوداوینچی

گزارش روز

پشت پرده بیانیه ناامید کننده دوحه

نشست اخیر دوحه که با هدف محکومیت حمله مستقیم اسرائیل به خاک قطر برگزار شد، بار دیگر برده از ضعف مزمن و تاریخی جهان اسلام در واکنش عملی به تجاوزات صهیونیسم برداشت.

به گزارش پیام آشنا به نقل از خراسان، در حالی که در قطر، به عنوان یک کشوری عربی و مسلمان، چند تن از عوامل سیاسی و مذاکره کننده یک گروه مسلمان مورد حمله قرار گرفت، واکنش جمعی دولت‌های اسلامی همچنان در سطح بیانیه خوانی تا امید کننده و محکومیت لفظی باقی ماند. پرسش اساسی اینجاست که چرا جهان اسلام، با وجود برخورداری از قابلیت‌های عظیم انسانی، ژئوپلیتیک و اقتصادی، از تبدیل این انرژی بالقوه به اقدام عینی ناتوان است؟ بررسی دقیق تر نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از موانع تاریخی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی، همچون زنجیره‌ای درهم‌تنیده این ناتوانی ساختاری را رقم زده است.

نخستین مانع، ریشه در مهندسی تاریخی قدرت‌های استعماری دارد. آمریکا و بریتانیا طی دهه‌ها بر شکاف‌های نژادی، مذهبی و قومی در منطقه سرمایه‌گذاری کرده‌اند. تقابل عرب و عجم و سنی و شیعه سیاستی هدفمند برای جلوگیری از شکل‌گیری جبهه واحد اسلامی در برابر غرب و اسرائیل است. اگرچه رهبرانی چون امام خمینی(ره) با طرح گفتمان وحدت اسلامی توانستند این طرح را تا حدی خنثی کنند، اما بذرهای کینه و واگرایی همچنان در متن جوامع منطقه حضور دارد. شکل‌گیری جریان‌های تکفیری همچون داعش و جبهه‌ها النصره در سال‌های اخیر نمونه عینی این پروژه قدیمی است که انرژی جوامع مسلمان را به‌جای تمرکز بر دشمن اصلی، به نزاع‌های درون‌دینی و قومی سوق داده است. اسرائیل با هوشمندی، این شکاف‌ها را می‌فروشد و با تغذیه مداوم تنش‌های مذهبی، هموار مانع از اجماع جهان اسلام علیه خود شده است.

مانع دوم، پیوندهای امنیتی دولت‌های عربی با آمریکاست.

طی دهه‌های اخیر، بسیاری از کشورهای حاشیه خلیج فارس امنیت خود را عملا به واشنگتن اجاره داده‌اند؛ از پایگاه العُدید در قطر تا ناوگان پنجم در بحرین. این وابستگی نه تنها استقلال امنیتی آنان را سلب کرده، بلکه دست اسرائیل را برای اقدامات یک‌جانبه باز گذاشته است. حمله اخیر به قطر و سکوت کامل واشنگتن، به‌روشنی نشان داد که اولویت نخست آمریکا، تأمین امنیت اسرائیل است، حتی اگر این رویکرد در تعارض آشکار با تعهدات رسمی‌اش نسبت به متحدان عرب قرار گیرد. برای واشنگتن، امنیت تل‌آویو چنان حیاتی است که حفتر است بی‌اعتبارشدن توافقات دفاعی با کشورهای عربی را به جان بخرد. اما اجازه ندهد یک گلوله از خاک آنان به سوی اسرائیل شلیک شود. این تجربه تلخ، برای کشورهای عربی یک پیام روشن دارد: تا زمانی که معاهدات امنیتی و نظامی آنان با آمریکا پابرجاست، امکان شکل‌گیری واکنشی مستقل و مقتدر در برابر اسرائیل وجود نخواهد داشت. بدیهی است در چنین شرایطی، تصمیم‌گیری برای تقابل مستقیم با اسرائیل (متحد استراتژیک آمریکا) فراتر از ظرفیت سیاسی این کشورها خواهد بود.

در کنار موانع سیاسی و امنیتی، منافع اقتصادی نیز وزنه سنگینی در کفه انفعال کشورهای عربی است. تجارت انرژی، با غرب و حتی متاسبات پنهان و آشکار با اسرائیل، هزینه تحریم یا قطع رابطه را برای بسیاری از دولت‌های عربی غیرقابل تحمل کرده است. در شرایطی که بازارهای جهانی انرژی با کوچک‌ترین تصمیم اوپک یا حتی یک توئیت دستخوش نوسان می‌شوند، این کشورها تبعات اقتصادی را بر شرافت عربی و اسلامی مقدم می‌دانند. افزون بر این، وابستگی به نظام مالی جهانی و هراس از تحریم‌های ثانویه نیز معادله را پیچیدتر کرده است. تجربه ایران نشان داد که تحریم‌های ثانویه نه‌تنها می‌تواند یک کشور، بلکه شبکه بانکی و تجاری یک منطقه را فلج کند. بنابراین، بسیاری از دولت‌های اسلامی با نوعی احتیاط از هر اقدام اقتصادی علیه اسرائیل پرهیز می‌کنند و ترجیح می‌دهند هزینه‌های مستقیم را به جان نخرند. حتی اگر این انفعال به بهای تجلیز و تحقیرشان تمام شود: تحقیر و توهینی که صرفا به میدان و عرصه نظامی محدود نمی‌گردد، بلکه در ساحت لفظی نیز تکرار می‌شود. چنان که ترامپ سعودی‌ها را گاو شیرده خود و با صراحت گفت که آن‌ها بدون حمایت آمریکا حتی دو هفته هم توان بقا نخواهند داشت.

در سطح سیاسی و هویتی نیز، تنوع روایت‌ها درباره فلسطین چالشی اساسی ایجاد کرده است. برخی دولت‌ها همچون امارات و بحرین و دولت جدید در لبنان در چارچوب "توافق ابراهیم" عملاً مسیر سازش با اسرائیل را در پیش گرفته‌اند و فلسطین دیگر اولویت نخست سیاست خارجی‌شان نیست. در مقابل، شکوهایی مانند ایران و جریان‌های محور مقاومت همچنان فلسطین را مسئله مرکزی جهان اسلام می‌دانند. این دوگانگی، امکان ایجاد اجماع واقعی را به حداقل رسانده است. افزون بر این، شکاف عمیقی میان دولت‌ها و افکار عمومی وجود دارد. در بسیاری از کشورهای اسلامی، جامعه نسبت به موضوع فلسطین حساس‌تر و رادیکال‌تر از دولت‌هاست. تظاهرات خیابانی و موج‌های اعتراضی در شبکه‌های اجتماعی مؤید این واقعیت است. اما دولت‌ها که بقای سیاسی خود را در گرو ثبات و رابطه با قدرت‌های جهانی می‌بینند، ترجیح می‌دهند این انرژی اجتماعی را به بیانیه‌خوانی تقلیل دهند و از اقدام عملی بپرهیزند؛ با توجه به این موانع عربی و اسلامی مقدم می‌دانند. افزون بر این، گفت‌وگوهای خود با کشورهای عربی بر این نکته بتیاندین تأکید ورزند که جمهوری اسلامی از ظرفیت دفاعی و بازدارندگی مستقل و بومی برخوردار است و در مقام حراست از امنیت ملی خود به هیچ کشور متحلفه‌ای نیازمند نیست. تجربه جنگ ۱۲ روزه در برابر دو قدرت هسته‌ای آمریکا و رژیم صهیونیستی که با پشتیبانی اطلاعاتی و امنیتی تانو همراه بود، نشان داد ایران توانسته است بدون اتکا به هیچ نیروی خارجی، امنیت و تمامیت ارضی خویش را باصلابتی کند. این تجربه باید به‌عنوان سندی راهبردی در پیام‌های رسمی و غیررسمی به همسایگان عرب منتقل شود.

در عین حال، باید روشن شود که ایتکار ایران برای شکل‌دهی به یک ائتلاف امنیتی-نظامی متحلفه‌ای نه به‌منظور تأمین امنیت ملی خود، بلکه برای تضمین ثبات و امنیت جمعی در گستره جهان اسلام است. و این گزاره باید هم در دیپلماسی عمومی و هم سیاسی تکرار شود که این دولت‌های اسلامی و عربی هستند که می‌توانند با تعامل و هم‌افزایی از توان و ظرفیت‌های ایران، از ذایره انفعال و وابستگی خارج شده و شرافت اسلامی و هویت عربی خویش را در برابر رژیم صهیونیستی احیا کنند.

جعفر یوسفی

دیدگاه

مصائب پاستور برای کوچک‌سازی

کوچک‌سازی به معنای کاهش تصدی‌گری‌های غیرضروری و واگذاری فعالیت‌های قابل انجام توسط بخش خصوصی یا نهادهای عمومی غیردولتی، به‌عنوان یکی از پیش‌شرط‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی مطرح می‌شود.

به گزارش پیام آشنا به نقل از آرمان ملی، تعیین اندازه و نقش دولت همواره یکی از موضوعات اصلی حکمرانی بوده است. دولت‌ها در دوره‌های مختلف، بسته به شرایط اقتصادی و اجتماعی، گاهی به سمت گسترش حضور خود در اقتصاد و ارائه خدمات عمومی رفته‌اند و گاهی نیز ضرورت کوچک‌سازی و کاستن از تصدی‌گری‌ها را احساس کرده‌اند.

در دوران بروز چالش‌ها، افزایش نقش دولت اغلب اجتناب‌ناپذیر بوده و به ایجاد زیرساخت‌ها و رفع نیازهای فوری جامعه کمک کرده است اما تداوم این روند به شکل‌گیری ساختارهای اداری سنگین، افزایش هزینه‌ها و کاهش بهره‌وری انجامیده است. در مقابل، تلاش‌ها برای چابک‌سازی و واگذاری امور به بخش خصوصی نیز با مقاومت گروه‌های ذی‌نفع، ضعف نظارت و نگرانی از کاهش عدالت اجتماعی روبه‌رو بوده است. هماننطوری که بعد از اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی شاهد تلفوظ آنچه خصوصی‌سازی نام داده شده است. این فرازونشیب‌ها نشان می‌دهد کوچک‌سازی دولت صرفا یک تصمیم اداری نیست، بلکه فرایندی پیچیده و زمان‌بر است که نیازمند عزم سیاسی، شفافیت و جلب اعتماد عمومی است. تجربه کشورها حاکی از آن است که موفقیت در این مسیر تنها زمانی تحقق می‌یابد که کاهش تصدی‌گری با تقویت نقش حاکمیتی، مبارزه با فساد و ارتقای کارآمدی همراه باشد. به بیان دیگر، کوچک‌سازی دولت یک اقدام اقتصادی صرف نیست بلکه ضرورتی برای توسعه پایدار به شمار می‌رود همواره دولت‌ها در ادوار اخیر به‌دنبال کوچک‌سازی دولت و کاهش هزینه‌های جاری این نهاد هستند ولی هر باری با پایان دور مسئولیت‌شان مشاهده می‌کنیم که نه‌تنها دولت کوچک‌تر نشده است بلکه هم‌چنان در حال فربه‌شدن و بلعیدن بودجه‌های کشور است. در ادامه این گزارش با یکی از تحلیل‌گران مصاحبه‌ای انجام داده‌ایم. پیرمون در این مورد معتقد است به‌دلیل اینکه پزشکیان شخصی ضدفساد است می‌تواند چابک‌سازی دولت را به سرانجام برساند.

دولت پزشکیان ضدفساد است

کمال‌الدین پیرمون، تحلیل‌گر مسایل سیاسی و نماینده ادوار مجلس شورا در واکنش به تلاش دولت برای چابک‌سازی دولت می‌گوید: «یکی از مهم‌ترین مباحث حکمرانی در جهان نوین، موضوع چابک‌سازی دولت و حرکت به سوی ساختاری کارآمد، شفاف و پاسخگو است. در بسیاری از کشورها گسترش بیش از حد بدنه دولت منجر به ایجاد بوروکراسی پیچیده، هزینه‌های سنگین اداری و کاهش بهره‌وری شده است. از این‌رو، کوچک‌سازی به معنای کاهش تصدی‌گری‌های غیرضروری و واگذاری فعالیت‌های قابل انجام توسط بخش خصوصی یا نهادهای عمومی غیردولتی، به‌عنوان یکی از پیش‌شرط‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی مطرح می‌شود». او در همین مورد و با اشاره به موقعی که پیش‌پای دولت‌ها قرار دارد، ادامه می‌دهد: «این حال، این مسیر همواره با چالش‌های متعددی مواجه است. یکی از مهم‌ترین موانع، فشار گروه‌های خاص و ذی‌نفعانی است که منافع خود را در بزرگ بودن دولت و استمرار تصدی‌گری‌های آن جست‌وجو می‌کنند. این گروه‌ها ممکن است شامل کارکنان مازاد مدیران میانی، یا حتی شرکت‌ها و بنگاه‌هایی باشند که از رانت و قراردادهای دولتی بهره می‌برند. هم‌چنین شرایطی، هرگونه اصلاح ساختار دولت با مقاومت‌های جدی و حتی فشارهای سیاسی و اجتماعی همراه خواهد بود. علاوه بر این، ضعف در نظام‌های نظارتی و فقدان شفافیت نیز می‌تواند فرآیند کوچک‌سازی را از مسیر اصلی منحرف کرده و به‌جای کاهش هزینه‌ها، زمینه‌ساز شکل‌گیری ناکارآمدی‌های جدید شود». نماینده ادوار مجلس شورا چابک‌سازی را یک لازمه دانست و اضافه می‌کند: «از سوی دیگر، برای رسیدن به توسعه پایدار، چابک‌سازی دولت ضروری اجتناب‌ناپذیر است. دولت چابک به معنای دولتی است که ضمن حفظ نقش حاکمیتی خود در سیاست‌گذاری، تنظیم‌گری و نظارت، از ورود به فعالیت‌های اجرایی غیرضروری پرهیز کرده و تصمیم‌گیری‌های سریع، هماهنگ و متکی بر داده‌های دقیق داشته باشد. توجه داشته باشید که موفقیت در این مورد نیاز به رئیس دولتی ضد فساد دارد که باتوجه به سابقه پزشکیان او می‌تواند در جدال با مافیا و تندروها موفق باشد.»

رئیس دولت چهاردهم هم همانند رئیس جمهورهای اندوا اخیر همچنان به‌دنبال کوچک‌تر کردن دولت هستند ولی هماننطوری که اشاره کردیم با دولت‌های فربه‌تر روبه‌رو شدیم در همین مورد باتوجه به گذشتن دولت پزشکیان از مرز یکسالگی طرح‌های جدیدی را در این مورد مشاهده می‌کنیم. در همین مورد مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری ۲۰ شهریور در سفری یک‌روزه به استان اردبیل در جمع اعضای شورای برنامه‌ریزی و توسعه این استان، با طرح پرسشی درباره علت وجود تورم در اقتصاد ایران، گفت: «مهم‌ترین عامل تورم ما (دولت) هستیم. دولت بیش از حد بزرگ شده است؛ ما هم پول و درآمد نداریم و همه را خرج یک دولت بزرگ می‌کنیم. هر جا هم کم‌وکسر می‌آوریم پول چاپ می‌کنیم و همین تورم ایجاد می‌کند. خدمت آقا و نمایندگان هم عرض کردم به ما اجازه دهند کارمند ما ساعت ۷ بیاید و ساعت ۱۳ برود. لازم نیست ساعت ۷ بیاید و ساعت ۱۴ یا ۱۵ و ۱۶ برود. کاری انجام نمی‌دهیم؛ کار نداریم که انجام دهیم ولی گاز و برق و آب هم مصرف می‌کنیم. واقعا صادقانه صحبت کنیم که چکار می‌کنیم که این همه وقت می‌گذاریم؟ فقط برق را مصرف می‌کنیم؛ به‌عدمی گوییم کم آوردیم. رهبری انقلاب به‌درجه‌ای که در جلسه‌ای که چندروز پیش خدمتشان بودیم تاکید کردند اسراف نکنیم» در ادامه این اظهارات رئیس جمهوری واکنش برانگیز شد. محمودواعظی از چهره‌های جریان اعتدالی با تأکید بر اینکه کوچک‌سازی دولت روند دشواری خواهد بود و منابع حاصل از این اصلاح باید در شرایط سخت کنونی صرف سازندگی و اجرای پروژه‌های حیاتی کشور شود گفت: «کوچک‌سازی باید به نحوی انجام شود که دولت در حین اجرا دچار بی‌ثباتی نشود. مدیران میانی احساس بلاتکلیفی نکنند تو فعالیت‌های جاری کشور معطل نماند. این اقدام باید کاملا کارشناسی شده و مبتنی بر برنامه‌ریزی دقیق علمی صورت گیرد. همان گونه که نظریه سرمایه اجتماعی یادآور می‌شود موفقیت چنین اصلاحاتی تنها زمانی تضمین می‌شود که اعتماد عمومی و حمایت مردمی را داشته باشد. این دولت نیز تلاش‌هایی برای حذف نهادهای غیرضروری و فلق کار کرد مؤثر انجام داده اما لابی‌های قدرت که از این نهادها تامفذ حمایت می‌کردند تحقق این اصلاحات سازنده را متوقف می‌ساختند» قائم‌مقام حزب اعتدال و توسعه در همین مورد ادامه داد: «این امر نیازمند مجامع اجتماعی و همراهی مردم و نهادهای ذیربط است. همچنین ضروری است آن نهادهای حاملی نیز متقاعد شوند که در شرایط خاص کنونی، هیچ راهی جز چابک و کوچک کردن دولت و صرف بودجه عمومی در حوزه‌های اولویت‌دار کشور متصور نیست».

اشاره

اگر زمان وجود نداشت، دنیا چگونه بود؟

مفهوم زمان، به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین ابعاد وجود، همواره ذهن فیلسوفان، دانشمندان و عارفان را به خود مشغول کرده است. زمان، مفهومی است که همگان آن را تجربه می‌کنند اما ماهیت آن همچنان در هاله‌ای از ابهام باقی مانده است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از تابناک، از منظر روزمره، زمان جریانی خطی است که گذشته، حال و آینده را در بر می‌گیرد. در فیزیک کلاسیک نیوتن، زمان مطلق و مستقل از دیگر پدیده‌ها فرض می‌شد، اما نظریه نسبیت اینشتین نشان داد که زمان نسبی است و به سرعت و جاذبه وابسته است. برای مثال، در نزدیکی سیاه‌چاله‌ها زمان به دلیل انساع زمانی کندتر می‌گذرد. در فیزیک کوانتومی، برخی نظریه‌پردازان زمان را ویژگی‌ای پدیداری (emergent) می‌دانند که از تعاملات بنیادی‌تر ساخته‌شده درهم‌تنیدگی کوانتومی نشئت می‌گیرد.

از منظر فلسفی، امانوئل کانت زمان را چارچوبی ذهنی می‌دانست که انسان برای درک جهان به آن نیاز دارد. در عرفان شرقی و اسلامی، زمان گاه به‌مثابه توهمی دیده می‌شود که حقیقت ابدی را از نظر پنهان می‌کند. این تنوع دیدگاه‌ها نشان‌دهنده پیچیدگی ذاتی زمان است که درک کامل آن همچنان از دسترس بشر خارج است.

از منظر فلسفی، امانوئل کانت زمان را چارچوبی ذهنی می‌دانست که انسان برای درک جهان به آن نیاز دارد. در عرفان شرقی و اسلامی، زمان گاه به‌مثابه توهمی دیده می‌شود که حقیقت ابدی را از نظر پنهان می‌کند. این تنوع دیدگاه‌ها نشان‌دهنده پیچیدگی ذاتی زمان است که درک کامل آن همچنان از دسترس بشر خارج است.

آنتروپی و پیکان زمان

آنتروپی، معیاری برای میزان بی‌نظمی یا پراکندگی انرژی در یک سیستم است و با قانون دوم ترمودینامیک پیوند دارد. این قانون بیان می‌کند که در یک سیستم بسته، آنتروپی همواره افزایش می‌یابد یا ثابت می‌ماند. برای مثال، اگر مکای یک لیوان آب داغ به محیط اطراف پراکنده می‌شود و انرژی مفید آن کاهش می‌یابد که این افزایش آنتروپی را نشان می‌دهد. آنتروپی با مفهوم «پیکان زمان» ارتباط نزدیکی دارد. افزایش مداوم آنتروپی در جهان، از لحظه بیگ‌بنگ یا نظم بالا تا وضعیت کنونی یا بی‌نظمی فزاینده، توضیح می‌دهد چرا زمان تنها به سوی آینده جریان دارد. این ویژگی، جهت‌مندی زمان را به یکی از اسرارآمیزترین جنبه‌های جهان تبدیل کرده است.

مفهوم آنتروپی، به‌عنوان معیاری برای سنجش بی‌نظمی در سیستم‌های فیزیکی، یکی از اصول بنیادین علم ترمودینامیک است. این مفهوم، که با قانون دوم ترمودینامیک پیوند دارد، نقش‌ها در توضیح پدیده‌های طبیعی نقش کلیدی دارد، بلکه در حوزه فلسفه و الهیات نیز به‌عنوان مبنایی برای استدلال در اثبات وجود خدا مورد توجه قرار گرفته است.

آنتروپی چیست؟

آنتروپی، در ساده‌ترین تعریف، معیاری برای میزان بی‌نظمی یا پراکندگی انرژی در یک سیستم بسته است. بر اساس قانون دوم ترمودینامیک، در یک سیستم بسته، آنتروپی همواره افزایش می‌یابد یا در بهترین حالت ثابت می‌ماند. برای مثال، گرمای یک لیوان آب داغ به محیط اطراف پراکنده می‌شود و انرژی مفید آن کاهش می‌یابد. که این فرآیند افزایش آنتروپی را نشان می‌دهد. این اصل نشان‌دهنده تمایل طبیعی جهان به سوی بی‌نظمی فزاینده است.

برهان آنتروپی برای اثبات وجود خدا

برهان آنتروپی برای اثبات وجود خدا، از استدلال‌های فلسفی-علمی است که از قانون دوم ترمودینامیک برای اثبات وجود یک علت هوشمند برای جهان استفاده می‌کند. این برهان به‌طور خلاصه بر این پرسش متمرکز است: چرا جهان در لحظه آغازین خود دارای آنتروپی بسیار پایینی بود؟ در ادامه، مراحل این برهان تشریح می‌شود.

وضعیت اولیه جهان: نظم غیرمنتظره

جهان در لحظه آغاز در حالتی با آنتروپی بسیار پایین قرار داشت، یعنی نظمی فوق‌العاده بالا. این وضعیت از نظر آماری بسیار بعید است، زیرا تعداد حالت‌های بی‌نظم (آنتروپی بالا) به‌مراتب بیشتر از حالت‌های منظم است. به‌عنوان مثال، احتمال اینکه مولکول‌های گاز به‌طور خودبه‌خود در یک گوشه اتاق جمع شوند (حالت منظم) بسیار کمتر از پخش شدن آنها در کل فضاست. با این حال، جهان در آغاز خود به گونه‌ای شگفت‌انگیز منظم بود.

از دیدگاه طبیعی گرایانه (Naturalistic)، انتظار می‌رود جهان از همان ابتدا در حالت حداکثر آنتروپی (بی‌نظمی کامل) باشد، زیرا این حالت محتمل‌تر است. بودن نظم اولیه، به‌ویژه نظمی که امکان پیدایش ستارگان، کهکشان‌ها و حیات را فراهم کرد، پرسشی فلسفی را مطرح می‌کند: چه عاملی این نظم غیرمنتظره را ایجاد کرد؟

ب) قانون دوم ترمودینامیک و مشکل توضیح

قانون دوم ترمودینامیک بیان می‌کند که آنتروپی در یک سیستم بسته افزایش می‌یابد یا این قانون توضیح نمی‌دهد که چرا جهان در ابتدا این قدر منظم بود. از دیدگاه طبیعی گرایانه (Naturalistic)، انتظار می‌رود جهان از همان ابتدا در حالت حداکثر آنتروپی (بی‌نظمی کامل) باشد، زیرا این حالت محتمل‌تر است. وجود نظم اولیه، به‌ویژه نظمی که امکان پیدایش ستارگان، کهکشان‌ها و حیات را فراهم کرد، پرسشی فلسفی را مطرح می‌کند: چه عاملی این نظم غیرمنتظره را ایجاد کرد؟

ج) استدلال برای وجود یک طراحی هوشمند

برهان آنتروپی استدلال می‌کند که وجود نظم اولیه جهان نمی‌تواند صرفاً نتیجه یک فرآیند تصادفی باشد، زیرا احتمال چنین حالتی به‌قدری ناچیز است که از نظر علمی غیرقابل قبول به‌نظر می‌رسد. این برهان پیشنهاد می‌دهد که یک علت هوشمند مانند خدا جهان را به‌گونه‌ای طراحی کرده که با آنتروپی پایین آغاز شود تا امکان حیات و پیچیدگی‌های کنونی فراهم گردد. این طراحی هوشمند نظم اولیه را به‌عنوان نشانه‌ای از اراده‌ای هدفمند تفسیر می‌کند.

حیات خود نمونه‌ای از نظم در برابر گرایش طبیعی به بی‌نظمی است. موجودات زنده از طریق مصرف انرژی، آنتروپی بدن خود را کاهش می‌دهند، اما این فرآیند به افزایش آنتروپی در محیط اطراف منجر می‌شود. وجود حیات، که به شرایط خاصی مانند دمه انرژی و مواد شیمیایی منظم وابسته است، به نظم اولیه جهان وابستگی دارد. برهان آنتروپی استدلال می‌کند که این شرایط خاص، که به حیات امکان وجود داده نمی‌تواند تصادفی باشد و به طراحی هدفمند اشاره دارد.

برخی متفکران غیر الهی در مقابل این برهان می‌گویند شاید جهان ما تنها یکی از بی‌نهایت جهان‌های ممکن است و ما به‌طور تصادفی در جهانی با آنتروپی پایین قرار گرفته‌ایم! خود نظریه جهان‌های چندگانه فاقد شواهد تجربی است و به‌عنوان فرضیه‌ای گمانه‌زنانه باقی مانده است.

برخی از مخالفین ادیان الهی استدلال می‌کنند که ما جهان را منظم می‌بینیم؛ زیرا تنها در چنین جهانی می‌توانستیم وجود داشته باشیم. این دیدگاه، نظم اولیه را به یک ضرورت منطقی تقلیل می‌دهد، اما توضیح نمی‌دهد که چرا چنین جهانی وجود دارد.

از منظر الهیاتی، به‌ویژه در ادیان ابراهیمی مانند اسلام، نظم اولیه جهان می‌تواند نشانه‌ای از حکمت و قدرت الهی باشد. در قرآن کریم، آیاتی مانند «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ» (آل عمران: ۱۹۰) به نظم و هماهنگی جهان اشاره دارند که می‌تواند با مفهوم آنتروپی پایین در لحظه آغازین جهان مرتبط باشد. از دیدگاه عرفانی، نظم اولیه جهان نشانه‌ای از اراده الهی است که جهان را برای هدفی متعالی، مانند رشد معنوی و کمال انسان، طراحی کرده است.

برهان آنتروپی یکی از استدلال‌های جذاب و چندجانبه برای اثبات وجود خدا است که علم و فلسفه را به هم پیوند می‌دهد. این برهان، با تأکید بر نظم غیرمنتظره جهان در لحظه بیگ‌بنگ پیشنهاد می